

# معلم حرفه‌ای

همانند پزشک اعتماد کرده و مسئولیت تربیت فرزندان خود را به او سپرده‌اند؛ همان‌طور که مسئولیت جان بیمارانشان را نیز به پزشک واگذار کرده‌اند.

در پاره‌های کشورها، نامزدهای انتخاباتی اصلاحات پیشنهادی خود در آموزش و پرورش را به‌عنوان برگ برنده مطرح می‌کنند. این امر نشان از اهمیت منزلت تعلیم و تربیت و معلمی دارد؛ منزلتی که در طول زمان و در تعاملی دو سویه میان جامعه و معلمان حاصل می‌آید. مسئولیت جامعه و به‌طور خاص دولت را باید در بحثی مستقل باز کرد و به تفصیل آن را بررسی نمود. قدر مسلم آن است که تأمین معیشت مناسب، تمرکززدایی از برنامه‌داری و تفویض بخش‌هایی از آن به معلمان حرفه‌ای و شایسته، ارتقای کمتی و کیفی دانشگاه فرهنگیان و قرار دادن آن در تراز دانشگاه‌های معتبر کشور با گسترش امکانات مادی و انسانی، هم‌ترازی حقوق معلمان و صاحبان سایر مشاغل مشابه، تقدیر از معلمان برتر کشور در حد چهره‌های ماندگار ایران، و ده‌ها کار دیگر را دولت باید عهده‌دار شود. در این نوشته، تأکید ما بر بخشی است که معلمان خود آن را پدید می‌آورند؛ وقتی معلم خود چنان هویتی کسب کند که او را متخصص بدانند، به هویت ممتاز جامعه معلمان کمک شده است. اما چه شایستگی‌هایی است که معلم را در جایگاه یک پزشک یا حقوق‌دان می‌نشانند و موجب اعتماد جامعه به او می‌شود؟ قطعاً دانش و صلاحیت‌های حرفه‌ای که معلم کسب کرده است. به عبارتی، سؤال اساسی این است که «فرزندمان را به چه معلمی می‌توانیم بسپاریم.» مشارکت در برنامه‌ریزی را به چه معلمی می‌توان واگذار کرد؟ شماری از بایسته‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای را می‌توان برشمرد. اما نکته‌ای که این نوشته بر آن تأکید دارد، این است که نسل جدید نسلی کاملاً متفاوت با نسل‌های قبلی است. او امروز با رایانه و تلفن همراه درگیر است و تلفن همراه مانند لباس همیشه همراه اوست؛ گویی این وسیله ضمیمه بدن اوست. بر این اساس، معلمی که می‌خواهد حرفه‌ای باشد، باید با این ابزارها آشنا باشد و از یادگیری ابزارهای جدید و استفاده از آن‌ها بیم نداشته باشد و این‌ها همه در پی شوق یادگیری به‌وجود می‌آید. به نظر من، رمز صلاحیت معلمی «شوق یادگیری» است و به تبع آن، صلاحیت‌های دیگر دیر یا زود فراهم خواهند آمد.

در بهار امسال سریالی تلویزیونی مایه بحث و گفت‌وگو شد. در این سریال، قشر پزشکان با زبان طنز، نقد و بررسی شدند. پیش از شروع سریال و نیز هنگام پخش آن، پزشکان این فیلم را موجب هتک حرمت جامعه خود دانستند و خواستار قطع آن شدند. سرانجام این سریال با کوتاه شدن زمان پخش آن زودتر از موعد خاتمه یافت.

جامعه پزشکی خود را جامعه‌ای حرفه‌ای می‌داند و معتقد است که درباره این جامعه متخصصان باید داوری کنند. به بیان دیگر، عامه مردم در سطحی از دانش و تخصص نیستند که داوران خوبی برای قضاوت درباره این جامعه باشند. البته عامه مردم این خصیصه را باور دارند و اگر هم نقدی هست، بر اخلاق پزشکان است نه جنبه‌های تخصصی آن‌ها.

از منظر این مقاله، سؤال این است که آیا عامه مردم همین قضاوت را درباره جامعه معلمان هم دارند؛ یعنی به معلمان در تراز پزشکان از حیث تخصص نگاه می‌کنند؟ تجربه بعضی کشورها نشان می‌دهد که در برخی جوامع، عامه مردم به معلمان در تراز پزشکان و حقوق‌دانان نگاه می‌کنند؛ یعنی اگر جامعه پزشکان و حقوق‌دانان، متخصصان رشته خود تلقی می‌گردند و در هنگام مشکلات به این دو گروه مراجعه می‌شود، معلمان هم از همان جایگاه برخوردارند و عامه مردم، آنان را متخصصانی می‌دانند که درباره تعلیم و تربیت باید به آن‌ها رجوع کرد و از آن‌ها نظر خواست. این جایگاه البته طی فرایندی طولانی پدید آمده است و معلمان و جامعه، هر دو در شکل‌دهی به آن نقش داشته‌اند. در سنگاپور، که یکی از ممتازترین کشورها در تعلیم و تربیت است، زمین ارزش زیادی دارد و بسیار گرانبهاست. وقتی در این کشور دولت زمین بسیار بزرگی را به مرکز تربیت معلم اختصاص می‌دهد، این امر به استحکام هویت معلمی کمک می‌کند و معلمان را در صدر می‌نشانند یا وقتی در دانشگاه تربیت معلم فنلاند تعداد داوطلبان آن قدر زیاد است که از هر ده داوطلب یک نفر که بهترین است براساس شایستگی‌هایش انتخاب می‌شود، نشانگر ارزش معلم است. وقتی در همین کشور معلم حرف اول و آخر را در برنامه‌ریزی مدرسه می‌زند و به او دائماً از بالا امر و نهی نمی‌شود و خود او مانند یک پزشک، که صلاح بیمار را می‌داند، در سطح کلاس تصمیم‌گیری می‌کند، یعنی به معلم